

275500 - هشدار نسبت به جوک‌هایی که شامل تمسخر به سوره‌های قرآن است

سوال

متأسفانه از طریق واتس اپ پیامی به این مضمون دریافت کردم: «از یکی پرسیدند: در ماه رمضان کدام سوره‌ها را بیشتر دوست داری؟ گفت: مائده (سفره‌ی غذا)، دخان (دود) و نساء (زنان)!!!» خواهشمندم حکم چنین جوک‌هایی را بیان کنید.

پاسخ مفصل

چنین سخنی منکری بس بزرگ و تمسخر کلام الله است که بزرگترین و شریف‌ترین کلام است. کسی که کلام الله را به تمسخر گیرد کافر است و شدیدترین وعید متوجه اوست، چنانکه الله متعال می‌فرماید:

﴿يَخَذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ (٦٤) وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (٦٥) لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ يُعَدَّبُ بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ [توبه: ٦٤ - ٦٦]

(منافقان از این می‌ترسند که [مبادا] سوره‌ای درباره‌ی آنان نازل شود که ایشان را از آنچه در دلهایشان هست خبر دهد. بگو ریشخند کنید، بی‌تردید الله آنچه را که [از آن] می‌ترسید برملا خواهد کرد (٦٤) و اگر از ایشان بپرسی مسلماً خواهند گفت ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم. بگو آیا الله و آیات او و پیامبرش را ریشخند می‌کردید؟ (٦٥) عذر نیاورید؛ شما پس از ایمانتان کافر شده‌اید. اگر از گروهی از شما درگذریم گروهی [دیگر] را عذاب خواهیم کرد چرا که آنان تبهکار بودند).

تنها سفیهان و آنانی که بر حدود خداوند جرات دارند مرتکب چنین چیزی می‌شوند و گمان دارند با این کار شوخی و تفریح می‌کنند، همانند کاری که منافقان کردند و این آیه‌ی کریمه درباره‌شان نازل شد.

امام طبری در تفسیر خود (٣٣٣/١٤) از سعد، از زید بن اسلم روایت کرده که مردی از منافقان در غزوه‌ی تبوک به عوف بن مالک گفت: این قاریان ما را چه شده؟ خوش شکم‌ترین مایند و دروغگوترین، و ترسوترین ما به هنگام رویارویی با دشمن؟! عوف به او گفت: دروغ گفتی، بلکه تو منافقی! بی‌شک این را به رسول الله . صلی الله علیه وسلم . خواهم گفت. پس عوف به نزد رسول الله . صلی الله علیه وسلم . رفت تا او را آگاه سازد، اما دید که قرآن از او سبقت گرفته. زید می‌گوید: عبدالله بن عمر گفت: پس او [یعنی آن منافق] را دیدم که از زمام شتر رسول الله . صلی الله علیه وسلم . آویزان بود و در حالی که بر سنگریزه‌ها کشیده می‌شد می‌گفت: ﴿إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ﴾ [توبه: ٦٥] (ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم!) و پیامبر . صلی الله علیه وسلم . در پاسخش می‌گفت:

﴿أَبِاللَّهِ وَأَيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ﴾ [توبه: ۶۵] (آیا الله و آیات او و پیامبرش را به ریشخند می گرفتید؟) و بیش از این نمی گفت.

ابوبکر ابن العربی . رحمه الله . در تفسیرش (۵۴۳/۲) می گوید: «گفته شان از دو حالت خارج نیست که یا به شوخی بود یا جدی، و آن در هر صورت کفر است؛ چرا که شوخی به کفر کفر است و در این باره میان ائمه اختلافی نیست، زیرا تحقیق برادر حق و علم است و شوخی برادر باطل و جهل».

این سوره های گرانقدر حاوی احکام و تشریحات و اندرزهایی است که مومن آن را دوست می دارد چرا که کلام خداوند است، نه برای آنکه در آن ذکر از مائده (سفره ی غذا) یا ذکر نساء (زنان) رفته است، تا چه رسد که آن را به روزه دار ربط بدهیم که از شهوت شکم و زیر شکم ممنوع است.

از سوی دیگر این شوخی و جوک زشت شامل تحریف کلام الله و حمل آن بر یک چیز حرام است، زیرا دخان (دود) ذکر شده در قرآن یک آیه و نشانه از نشانه های قیامت است نه آن دود حرامی که این شخص و امثال او مصرف می کنند و این شخص تمسخر کننده ی بدکار آرزویش را دارد.

الله متعال می فرماید:

﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ (۱۰) يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱) رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲) أَلَيْسَ لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾ [دخان: ۱۰-۱۳]

(پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی آورد (۱۰) که مردم را فرو می گیرد. این است عذاب پر درد (۱۱) [می گویند] پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم (۱۲) آنان را کجا [جای] پند [گرفتن] باشد و حال آنکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است).

واجب است که کسی که چنین پیامی را برایش فرستاده اند، به سبب آنکه شامل کفر به الله و تمسخر کلام اوست، فرستنده را نصیحت کند و آن را بازنشر نکند.

باید از زبان بر حذر بود چرا که یک سخن ممکن است صاحب خود را به اندازه ی فاصله ی مشرق و مغرب در دوزخ سرنگون کند.

بخاری (۶۴۷۸) و مسلم (۲۹۸۸) از ابوهریره روایت کرده اند که وی از پیامبر . صلی الله علیه وسلم . شنید که می فرماید: «بنده سخنی را از [روی] خشنودی الله به زبان می آورد که به آن توجهی نمی کند و الله به سبب آن درجاتش را بالا می برد، و بنده سخنی از خشم الله بر زبان می آورد که آن را مهم نمی داند اما به سبب آن در جهنم سقوط می کند».

و بخاری (۶۴۷۷) و مسلم (۲۹۸۸) از ابوهریره روایت کرده‌اند که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شنید: «همانا بنده سخنی را به زبان می‌آورد و در آن دقت نمی‌کند، و به سبب آن دورتر از آنچه بین مشرق [و مغرب] است [در آتش] می‌افتد».

و نزد ترمذی (۲۳۱۹) و ابن ماجه (۳۹۶۹) از بلال بن حارق مَزْنی صاحب رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت شده که گفت: از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که می‌فرمود: «یکی از شما سخنی از خشنودی الله به زبان می‌آورد و گمان نمی‌کند که به چنان جایی که می‌رسد برسد، پس الله به سبب همان خشنودی اش را [از آن بنده] تا روزی که به دیدارش می‌رود می‌نویسد، و کسی از شما سخنی از خشم الله به زبان می‌آورد و گمان نمی‌کند که به چنان جایی برسد، پس الله به سبب آن خشمش را بر وی تا روزی که به دیدارش رود می‌نویسد» آلبانی آن را در صحیح سنن ترمذی صحیح دانسته است.

از الله سلامت و عافیت خواهانیم.

باید بدانید که به اتفاق علما شوخی به کفر، کفر است، چنانکه در سخن ابن عربی گذشت، بنابراین شرط نیست که قصد شخص تمسخر باشد.

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می‌گوید: «اینجا سه درجه وجود دارد: مرتبه‌ی نخست: این که قصدش همان سخن و ناسزا باشد که این کار شخصی است که قصدش جدی است همانطور که منظور دشمنان اسلام از دشنام دادن به اسلام است.

دوم: این که سخن را به قصد آن بگوید (یعنی به قصد معنایش و با فهم آن) اما بدون دشنام. یعنی قصدش سخنی است که دال بر ناسزا است، اما حرفش از روی شوخی است نه جدیت. این نیز حکمش مانند مورد نخست است یعنی کافر می‌شود زیرا سخنش استهزاء و تمسخر است.

مرتبه‌ی سوم این است که قصدش نه خود کلام و نه دشنام و ناسزا باشد، بلکه بدون قصد کلمه‌ای دال بر ناسزا و سب بر زبانش آید، نه به قصد آن کلام و نه به قصد دشنام. چنین کسی مورد مواخذه نیست و سخن الله متعال در مورد امثال اوست که می‌فرماید:

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ [بقره: ۲۲۵]

(الله شما را برای سوگندهای لغوتان بازخواست نمی‌کند).

که این مردی است که در اثنای سخنش می‌گوید: نه والله، و بله بالله، یعنی بدون قصد [و از روی عادت و تکیه کلام] که برایش در حکم سوگند منعقد نمی‌شود. بنابراین هر چه بدون قصد انسان بر زبانش جاری شود حکمی

ندارد» فتاوى نور من الدرب.

والله اعلم